مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۶۴-۵۴

بررسی تاثیر بررسی رابطه بین سیاستهای مالیاتی و عملکرد مالی شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

بهنوش باستانی[۱]

[۱] گروه حسابداری ، دانشکده علوم انسانی ، واحد بوشهر ، دانشگاه آزاد اسلامی ، بوشهر، ایران

عالیه بهادری[۲]

[۲] گروه مدیریت مالی ، دانشکده علوم انسانی ، واحد کازرون ، دانشگاه آزاد اسلامی ، کازرون ، ایران

عاطفه توکلی[۳]

[۳] گروه مدیریت مالی ، دانشکده علوم انسانی ، واحد کازرون ، دانشگاه آزاد اسلامی ، کازرون ، ایران

نویسنده مسئول:

بهنوش باستانی

چکیده :

دراین تحقیق به بررسی رابطه بین سیاستهای مالیاتی شرکت و عملکرد مالی درشرکت های پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است . این پژوهش در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ برای ۷۰ شرکت انجام گرفته است . دراین راستا از روش همبستگی و برای فرضیات از مدل رگرسیون خطی استفاده شده است.در این تحقیق از نرم افزار ایویوز استفاده شده است . دو فرضیه مورد نظربوده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان دادکه بین نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی ها و علمکرد مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد. بین ریسک مالیاتی و عملکرد مالی رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژگان : سیاست مالیاتی ، عملکرد مالی ، درآمد قبل از مالیات

مقدمه

میزان رعایت قوانین و مقررات، از جمله قوانین مالیاتی به طور نسبی به طرز فکر مدیریت و سیستم مدیریتی شرکت‌ها و موسسه‌های انتفاعی بستگی دارد. اگر مدیران اعتقادی به شناسایی و پرداخت به موقع هزینه مالیات به عنوان یک تعهد قانونی و اجتماعی داشته باشند، میزان هزینه مالیات و وضعیت مالیاتی متفاوتی خواهند داشت. در ایران برخی مدیران نسبت به این موضوع حساسیت بیشتری دارند و برخی آنرا نه به عنوان یک تکلیف که اجبار قانونی تلقی می‌کنند. لذا سعی می‌کنند شناسایی و پرداخت آن را همواره با تأخیر انجام دهند. این موضوع در قالب سیستم مدیریتی شرکت‌ها (وجود سهامداران حقوقی و نهادی در شرکت‌ها، نوع مالکیت و اندازه شرکت) مورد بررسی قرار گرفته و در کشورهای مختلف نتایج متفاوتی داشته (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۱).

مالیات‌ها عوامل برانگیزاننده‌ای در بسیاری از تصمیمات شرکت‌ها هستند. شواهد تحقیقات اخیر در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی صورت گرفته برای کاهش مالیات شرکتی از طریق فعالیت‌های جسورانه مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی معمول و فزاینده در دورنمای شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان است. وابستگی بین ساختار هیأت مدیره و جسارت مالیاتی متضمن مطالعات بیشتر است همچنان که سیاست‌گذاران مالیاتی باید با شناخت بهتری از این وابستگی برای توسعه راهکارهای اثربخش برای پرداختن به کمبودهای موجود در روش‌های مدیریت مالیات داخلی شرکت‌ها برخوردار باشند. این کار باید به بهبود تلاش های دولت در کسب درآمد مالیاتی حاصل از مالیات شرکتی بیانجامد (آرمسترانگ، ۲۰۱۰).

از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت شده و سود سهام سهامداران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها است. لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی از جمله خط مشی‌هایی است که ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد (اوسیمک، ۲۰۱۱).

از سالهای گذشته تا کنون ارزیابی عملکرد واحدهای اقتصادی بخش عمده ای از مباحث حسابداری، مدیریت، اقتصاد و ..... را به خود اختصاص داده است. ارزیابی عملکرد فرآیندی است که بدان وسیله همه ی مدیران درباره عملکرد کارهای تخصصی انجام شده در درون شرکت اطلاعاتی بدست می آورند و این عملکرد را با شاخصهای تعیین شده در بودجه، برنامه ها و هدفها مقایسه می کنند (باستانی ، ۱۳۹۶)

اصولا عملکرد با هدف رابطه ی مستقیمی دارد. نتایج حاصل از ارزیابی عملکرد خود هدف نبوده بلکه ابزاری است که در جهت پیش بینی برنامه های آتی و نیز بهبود نقاط قوت و برطرف نمودن نقاط ضعف آن واحد مورد استفاده قرار می گیرد. ارزیابی عملکرد واحد اقتصادی بدون در نظر گرفتن ویژگیهای تجاری بر شرایط حاکم بر بازار و خدمات آن و صرف نظر از جایگاهی که واحد مورد ارزیابی در مجموعه ی نظام و ساختار اقتصادی کشور از آن برخوردار است، ثمربخش نخواهد بود. امروزه مدیران به صورت بالقوه به مکانیزم هایی که از طریق آن عملکردشان مورد قضاوت قرار می گیرد، توجه دارند.

آنان بدنبال اطلاعاتی درباره ارتباط طرحهای پاداش و عملکرد خود هستند. علاوه براین زمانی که طرح پاداش نسبت به عملکرد حساس نباشد، در بازار رقابتی نیروی کار مدیریتی شرکت، مدیران خود را از دست خواهد داد و آنان واحد اقتصادی را ترک خواهند کرد (فاما،۱۹۸۰).[۱]

[۱] - Fama,Engene

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق

تعین رابطه بین سیاست‌های مالیاتی شرکت و عملکرد مالی شرکت .

اهداف ویژه :

بنابراین اهداف ویژه از انجام این تحقیق عبارتست از :

۱-تعین رابطه بین نسبت سود قبل ازکسر مالیات به کل داراییهاشرکت و عملکرد مالی شرکت

۲-تعیین رابطه بین ریسک مالیاتی شرکت و عملکرد مالی شرکت

تبین فرضیه های تحقیق

با تعمیق در تحقیقات انجام شده در دنیا جهت پاسخگویی به پرسش های مطرح شده و دستیابی به هدف تحقیق ، فرضیه های زیرتدوین شده است :

فرضیه اصلی :

۱- بین سیاست‌های مالیاتی شرکت و عملکرد مالی شرکت رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیات فرعی

۱-بین ریسک مالیاتی شرکت و عملکرد مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

۲-بین نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل داراییهاو عملکرد مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف واژه ها :

سیاست مالیاتی : سیاست مالیاتی عبارت است از سیاست دولت درباره خریدهای دولت ، سطح پرداخت انتقالی و ساختارمالیاتی در اقتصاد و علوم سیاسی

درآمد قبل از مالیات: پس از کسر هزینه های عملیاتی و استهلاک از سود ناخالص به سود عملیاتی یا سود قبل از بهره و مالیات می رسیم

عملکرد مالی: مجموعه فعالیتهایی است که در طی سال برای اهداف مالی مورد نظر شرکت انجام می گیرد و این نوع عملکرد در این تحقیق با سه نوع معیار مورد اندازه گیری قرار می گیردکه عبارتند از بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام و شود هرسهم.

مبانی نظری

موضوع سیاست مالیاتی مربوط به مالیات بردرآمد شرکت ها گسترده و پیچیده است ، اما مخصوصا برای کشورهای درحال توسعه بحث نرخ های چندگانه برمبنای بخش های مختلف و طرح غیرمنسجم سیستم استهلاک مطرح است . کشورهای درحال توسعه به نسبت کشورهای صنعتی ، بیشترمستعد استفاده از نرخ های چندگانه دربخش های مختلف (شامل معافیت کامل برای بخش هایی خاص) هستند که این امر احتمالا به علت قوانین رژیم های اقتصادی گذشته و تاکید آن ها برنقش دولت درتخصیص منابع است. چنین اعمالی برای عملکرد

مناسب نیروهای بازار مضراست (یعنی تخصیص منابع به بخش ها ، با وجود نرخ های مالیاتی مختلف منحرف می شود.(خصوصا درصورت واقعی بودن تعهد دولت به اقتصاد آزاد (بازار) ، اعمال مزبور غیرقابل دفاع است. بنابراین یکسان کردن نرخ های مالیات بردرآمد شرکت ها یک اولویت است. منظور نمودن هزینه استهلاک قابل قبول برای دارایی های مشهود به منظور مقاصد مالیاتی ، عنصر ساختاری مهمی برای تعیین هزینه سرمایه و سودآوری سرمایه گذاری است. مهم ترین اشکالات سیستم های استهلاک درکشورهای درحال توسعه شامل طبقه بندی های متعدد دارایی و نرخ های استهلاک متعدد، نرخ های استهلاک بسیار پایین وساختاری از نرخ های استهلاک است که با میزان نامرغوب شدن طبقات مختلف دارایی سازگاری ندارد. اصلاح این نواقص درسیاست های مالیاتی کشورها نیز باید دراولویت بالایی قرار گیرد. برای تجدیدساختار سیستم های استهلاک کشورهای درحال توسعه درحال توسعه ، نکات زیردارای اهمیت است :

•طبقه بندی دارایی ها به سه یا چهارطبقه کافی است .برای مثال ، گروه بندی دارایی های باعمرزیاد، مانند ساختمان ها ازیک طرف و دارایی های با عمرکم مانند کامپیوتر ها از طرف دیگرووجود یک یا دو طبقه دربین این دو گروه.

•فقط یک نرخ استهلاک برای هرگروه به کار رود.

•به منظور جبران نبود مکانیزمی برضد تورم ، دراغلب نظام های مالیاتی ، نرخ های استهلاک معمولا بیشتر از عمر واقعی دارایی های مربوط درنظرگرفته شود.

•درزمینه های اجرایی، روش نزولی برروش خط مستقیم ارجحیت دارد. روش نزولی ، یک کاسه کردن همه دارایی ها درطبقه مربوط به همان دارایی و محاسبه اتوماتیک سودوزیان سرمایه ای حاصل از واگذاری دارایی ها را مجاز سازد و بنابراین الزامات دفترداری را ساده می کند.

مالیات ارزش افزوده ، مالیات غیرمستقیم و تعرفه های مالیاتی

درحالی که مالیات ارزش افزوده از سوی اکثرکشورها ی درحال توسعه پذیرفته شده است ، اغلب دریک یا چند جنبه کامل نیست . بخش های مهم زیادی که اغلب خدماتی یا بخش های عمده فروشی و خرده فروشی هستند از شمول مالیات برارزش افزوده خارج شده اند یا مکانیزم اعتبار ی بسیارمحدود است (یعنی تامین اعتبار برای مالیات برارزش افزوده و ورودی ها یا با تاخیرهمراه است یا مورد پذیرش قرار نمی گیرد) مخصوصا هنگامی که کالاهای سرمایه ای مدنظرباشند. درحالی که مالیات زیادی از استفاده کننده نهایی دریافت می شود، از مزایای مالیات برارزش افزوده درمرحله اول استفاده نمی شود. اصلاح چنین محدودیت هایی برای طراحی و اجرای مالیات برارزش افزوده باید به عنوان اولویت برای کشورهای درحال توسعه تلقی شود. برخی از کشورهای درحال توسعه (مانند بسیاری از کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) دویاچندنرخ مالیات برارزش افزوده را پذیرفته اند. اگرچه نرخ های چندگانه ازنظر سیاسی ظاهرا برای اهداف عدالتی جذاب تر است (یااینکه لزوما درعمل این گونه نیست) ولی هزینه اجرایی آن درکشورهای درحال توسعه بیش ازکشورهای صنعتی است. هزینه سیستم نرخ های چندگانه باید به دقت بررسی شود .(عسکری ۱۳۹۲)

پیشینه تحقیق

علی اصغر محمود زاده و حمید پناهی در سال ۱۳۹۲ به بررسی ارتباط سیاستهای مالیاتی شرکتها با پایداری سود پرداختند وبیان کردند که : در این پژوهش به دنبال آن هستیم که ارتباط بین ثبات و پایداری در سود شرکتها را با سیاستهای مالیاتی اتخاذ شده توسط آنها بررسی نمائیم. جامعه ی آماری این پشوه شامل ۱۳۰ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که برای دوره ۱۳۸۶- ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون - خطی ساده و لجستیک استفاده گردید. سیاست های مالیاتی شرکتها از طریق شناسایی وجود تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد هرچقدر تفاوت بین مالیات ابرازی و تشخیصی بیشتر باشد شاهد پایداری سود کمتری برای شرکتها خواهیم بود. بعلاوه شواهد قابل اطمینانی

حاکی از وجود رابطه ای معنادار بین پایداری سود شرکتها و اهمیت موضوع مالیات و درج آن در گزارش حسابرسی مستقل یافت نشد. بین ضریبتغییرات و اندازه شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی پشوه ، رابطه ی معناداری با سیاست های مالیاتی مشاهده نگردید.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۲)، به «بررسی رابطه گزارشگری متهورانه مالی و اندازه شرکت ها با سیاست های متهورانه مالیاتی» پرداختند، آن ها ۱۰۲ شرکت طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران را مورد آزمون قرار دادند. نتایج تحقیقات آن ها نشان داد در شرکت هایی که شاخص اقلام تعهدی اختیاری (به عنوان جایگزینی برای سیاست متهورانه مالی) بالاتر باشد، تفاوت بین مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی شرکت ها نیز بیشتر است.

محمد طهماسبی در سال ۱۳۹۲ در بررسی تحت عنوان مالیات در کشورهای پیشرفته بیان کرد که مالیات انتقال بخشی از درآمد جامعه به دولت محسوب می شودو دولت نیزاین مالیات را برای جبران هزینه هایی که برای جامعه و مردم انجام می دهد مصرف می کند . موضوع مالیات در کشورهای پیشرفته صنعتی به اندازه حیاتی و حائز اهمیت و حساس است که کارفرمایان به دانش مالیاتی مسئولان مالی خوداکتفا و اتکا نکرده و از خدمات حسابداران رسمی و مشاوران مالیاتی مجرب در کنار کادر مالی سازمان خود بهره گیری می کنند.

فریز و همکاران (۲۰۰۸)، به بررسی روش‌های مختلفی که مالیات و اصول راهبری شرکت‌ها ارتباط متقابل دارند پرداخته و به این نتیجه رسیدند که قانون مالیات بر ساختار اصول راهبری شرکت‌ها از طریق ارائه امتیازات مالیاتی و تحمیل مجازات‌ها تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، ساختار واقعی راهبری شرکتی در عمل بر روش مدیریت امور مالیاتی شرکت‌ها تأثیر دارد.

آرمسترانگ و بلوئین (۲۰۱۰) به مطالعه انگیزه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی با استفاده از یک مجموعه از داده‌های سلسله مراتبی همراه با اطلاعات تشویقی و جبرانی مدیران اجرایی و نیز بررسی روابط میان انگیزه‌های مدیران مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری و آثار نقدی نرخ‌های مالیاتی و شکاف ارزش دفتری مالیات و معیارهای اندازه‌گیری اقدامات متهورانه مالیاتی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که انگیزه‌های جبرانی و تشویقی مدیران مالیاتی رابطه منفی با نرخ مؤثر مالیاتی اصول پذیرفته شده حسابداری دارد اما رابطه کمی با سایر نگرش‌ها و رفتارهای مالیاتی دارد.

مدل تحقیق :

$$SD_Ret_{it+1} = \alpha_0 + \alpha_1 TAX_{it} + \alpha_2 PTBI_t + \alpha_3 Vol_of_PTBI_{it} + \alpha_4 BTM_{it}$$
$$+ \alpha_5 Leverage_{it} + \alpha_6 Size_{it} + \alpha_7 Abn_Accruals_{it} + \alpha_8 Return_{it+1} +$$
$$+ \alpha_9 Shares_Out_{it} + \alpha_{10} Inst_Own_{it1} + \varepsilon_{it}$$

متغیرها

متغیر وابسته

SD_Ret: انحراف استاندارد سالانه بازده سهام

انحراف استاندارد بازده سهام در طی سال

بازده سهام از طریق فرمول زیر محاسبه خواهد شد:

دراین تحقیق بازده واقعی سهام متغیروابسته میباشدکه ازابتدای ماه پنجم سال بعد،به مدت یکسال و بافرمول زیر محاسبه میشود:

$$Rit=\frac{(Pt-Pt-1)+DPS}{PT-1}$$

r_{it}= نرخ بازده سهامدرسال r_{it}

p_t = قیمت سهام درپایاندوره t

p_{t-1} = قیمت سهام درابتدای دوره t

DPS= سود نقدی پرداختی

c= مبلغ اسمی پرداخت شده توسط سرمایه گذاربابت افزایش سرمایه

α = درصدافزایش سرمایه ازمحل آورده نقدی

متغیرهای مستقل

PTBI: درآمد قبل از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌ها

Vol_of_PTBI: انحراف استاندارد نسبت درآمد قبل از مالیات به کل دارایی‌ها در دوره پنج ساله

Vol_of_PTBI = sd (PI / AT)

متغیرهای کنترلی

TAX: مجموع مالیات نقدی پرداخت شده پنج سال اخیر (از سال t-4 تا سال t) تقسیم بر مجموع درآمد قبل از مالیات پنج ساله اخیر منهای افلام غیرعادی.

BTM: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره تقسیم بر تعداد سهام

I= قیمت دفتری سهام پایان سال تقسیم بر تعداد کل سهام ممتاز

Leverage: بدهی بلند مدت در پایان دوره تقسیم بر کل دارایی‌ها

Size: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها

Return: بازده سهام شرکت در دوره مالی

Shares Out: لگاریتم تعداد سهام فروش رفته شرکت

Inst Own: میانگین مالکیت نهادی شرکت در طول دوره مالی.

Abn_Accrual: جذر اقلام تعهدی اختیاری در پایان دوره، محاسبه شده توسط مدل جونز

مدل جونز تعدیل شده

$$NDA_t = \alpha_1\left(\frac{1}{A_{t-1}}\right) + \alpha_2(\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \alpha_3(PPE_t)$$

در این مدل داریم:

NDA: خالص اقلام تعهدی اختیاری

A: کل دارایی‌ها

REV: درآمد امسال منهای درآمد سال قبل، تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل

PPE: خالص دارایی‌های بلندمدت امسال، تشسیم کل دارایی‌های سال قبل

REC: خالص دریافتنی‌های امسال منهای خالص دریافتنی‌های سال قبل تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل

عملکرد مالی

نرخ بازده دارائی ها:

این معیار در دهه ۱۹۸۰ در نظامی به نام نظام دوپونت ظهور کرد و به عنوان مبنائی برای ارزیابی عملکرد شرکت ها مورد توجه قرار گرفت.در گذشته مدیران به حاشیه سود تحصیل شده اهمیت داده و دفعات گردش را نادیده می گفتند، در حالی که یکی از وظایف مهم مدیران، نظارت دارائی های عملیاتی است. اگر دارائی های اضافی در عملیات به کار گرفته شوند مانند این است که هزینه های عملیاتی را افزایش داده ایم. یکی از مزایای مهم فرمول نرخ بازده دارائی ها این است که مدیران را به کنترل دارائی های عملیاتی وادار می سازد و همواره با کنترل هزینه ها، نرخ سود خالص و حجم فروش، به کنترل دارائی های عملیاتی نیز می پردازند. امروز فرمول نرخ بازده دارائی ها یکی از مهمترین معیارها برای سنجش کارائی مدیران به خصوص برای نظارت بر مراکز سرمایه گذاری است. مسئولیت های مدیران در زمینه های مختلف در فرمول نرخ بازده دارائی ها ادغام گردیده و به صورت یک رقم ارائه می گردد که برای سنجش کارائی مدیران در مراکز سرمایه گذاری، معیار مناسبی برای تخصیص وجوه سرمایه گذاری است.از همان آغاز یک سری موارد برای ارزیابی عملکرد مدیران مورد استفاده قرار گرفت تا اینکه نسبت های مالی برای این امر مورد استفاده قرار گرفتند.یکی از نسبت هائی که در سیستم دوپونت مورد استفاده قرار گرفت نسبت نرخ بازده دارائی ها بود.

$$\text{نرخ بازده دارایی} = \frac{\text{درامد خالص}}{\text{کل دارایی}}$$

آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته	متغیر مستقل	t-Statistic	Prob.	F-statistic	Prob(F-statistic)	R-squared	Adjusted R-squared	Durbin-Watson stat	نتیجه آزمون
عملکرد	نسبت درآمد قبل از مالیات به دارایی	۰,۳۷۳۴۲۰ -	۰,۷۰۸۹	۳۵,۵۹۱۸۴	۰,۰۰۰۰۰	۰,۱۱۹۰۶۶ ۰۹۹۵۵۵۸	۰,۱۱۵۷۲۱ ۰۹۹۴۶۵۰	۱,۶۷۱۰۱۶ ۲۰۲۱۷۴۹	پذیرش فرض صفر
	بازده سهام اندازه شرکت	۱,۰۱۵۵۵۶ ۰۳۲۸۹۳۵	۰,۳۱۰۲ ۰۷۴۲۳						پذیرش فرض صفر پذیرش فرض صفر

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول(۴-6) در مورد فرضیه فرعی اول آماره f برابر با ۳۵,۶ و مقدار prob برابر با ۰,۰۰۰۰ است و این نشان دهنده‌ی معناداری مدل آماری می‌باشد. مقدار دوربین واتسن برابر با ۱,۶۸ است که بین ۱,۵ و ۲,۵ است و نمایان گر عدم وجود خود همبستگی در مدل خواهد بود. بنابراین، این‌گونه نتیجه‌گیری می شود که در این مدل‌ها خود همبستگی وجود ندارد. مقدار $\overline{R}^2$ یا ضریب تشخیص تعدیل شده برابر با ۱۲ است و نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود.

در مورد ارتباط عملکرد و نسبت درآمد قبل از مالیات به دارایی میزان prpb برابر با ۰,۷۰۸۹ است که این مقدار بیشتر از ۰,۰۵ است، در نتیجه فرض صفر مبنی بر ارتباط نداشتن عملکرد و نسبت درآمد قبل از مالیات به فروش رد می‌شود. به عبارت دیگر بین عملکرد ونسبت درآمد قبل از مالیات به فروش رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی شرکت نتوانسته با استفاده عملکرد نسبت درآمد قبل از مالیات به فروش خود را افزایش دهد

در مورد ارتباط بین ا ریسک بازده سهام ، مقدار prob برابر با ۰۳۱ است که این مقدار بیشتر از ۰,۰۵ است، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط بین عملکرد و بازده سهام تایید می شود. به عبارت دیگر بین عملکرد و بازده سهام رابطه معناداری وجود ندارد. به طور کلی می‌توان گفت که استراتژی شرکت نتوانسته است باعث افزایش بازده سهام شود.

فرضیه دوم:

- بین ریسک مالیاتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود ندارد.
- بین ریسک مالیاتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲ نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته	متغیر مستقل	t-Statistic	Prob.	F-statistic	Prob(F-statistic)	R-squared	Adjusted R-squared	Durbin-Watson stat	نتیجه آزمون
عملکرد	انحراف استاندارد بازده اندازه شرکت	-۹,۲۵۹۲۸۳	۰,۰۰۰	۳۵,۵۹۱۸۴	۰,۰۰۰۰۰	۰,۱۱۹۰۶۶	۰,۱۱۵۷۲۱	۱,۶۷۱۰۱۶	رد فرض صفر ردفرض صفر

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول(۴-۷) در مورد فرضیه فرعی دوم آماره f برابر با ۳۵,۶ و مقدار prob برابر با ۰,۰۰۰۰ است و این نشان دهنده‌ی معناداری مدل آماری می‌باشد. مقدار دوربین واتسن برابر با ۱,۶۸ است که بین ۱,۵ و ۲,۵ است و نمایان‌گر عدم وجود خود همبستگی در مدل خواهد بود. بنابراین، این‌گونه نتیجه‌گیری می شود که در این مدل‌ها خود همبستگی وجود ندارد. مقدار $\overline{R}^2$ یا ضریب تشخیص تعدیل شده برابر با ۱۲. است و نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود.

در مورد فرضیه دوم که رابطه بین عملکرد و انحراف استاندارد بازده سهام را بیان می‌کند،مقدار آماره t برابر با ۹,۲۵- و مقدار prob برابر با ۰,۰۰۰۰ است که این مقدار بیشتر از ۰,۰۵ است. بنا بر این فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم ارتباط بین عملکرد و انحراف استاندارد بازده سهام رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر بین عملکرد و انحراف استاندارد بازده سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی با کاهش ریسک انحراف استاندارد بازده سهام را افزایش می‌یابد و برعکس با افزایش انحراف استاندارد بازده سهام کاهش می‌یابد.

محدودیت‌های تحقیق

تحقیقات علمی و پژوهشی غالباً با محدودیت‌هایی مواجه است که به ثبات و روایی یافته‌های تحقیق لطمه می‌زند. با این حال تلاش محقق باید در این راستا باشد که ضمن ارزش علمی مطالعه به دنبال راهکارهای رفع یا مقابله محدودیت‌ها باشد (باقری، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر نیز مانند اغلب تحقیقات، در مراحل مختلف با محدودیت‌ها و مشکلاتی همراه بوده است. بعضی از این محدودیت‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. باتوجه به انجام نمونه گیری در میان جامعه، تعمیم نتایج این پژوهش به سایر شرکت‌ها و فرابورس باید با دقت و احتیاط صورت پذیرد.

۲. از دیگر مشکلات موجود در این پژوهش عدم سابقه زیاد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران است که با توجه به این محدودیت، نمونه آماری محدود به شرکت‌هایی شد که اطلاعات آماری مربوط به آن‌ها موجود بود.

۳. شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی حاکم بر کشور و جو روانی حاکم بر بورس اوراق بهادار تهران و سطح آگاهی افراد مشارکت‌کننده در بازار سرمایه، بر عرضه و تقاضا، حجم مبادلات و رونق یا رکود بازار تاثیر گذاشته و متغیرهای پژوهش را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

پیشنهادات منتج از نتایج تحقیق

۱) با توجه به تأثیر سیاست مالیاتی شرکت و عملکرد مالی به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود هنگام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به میزان ریسک توجه کنند.

۲) با توجه به تاثیرگذاری نسبت درامد قبل از مالیات به کل داراییهاوعملکرد مالی شرکت به سرمایه‌گذاران و سایر فعالان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که اگر به دنبال سود باکیفیت‌تر هستند باید در شرکت‌هایی سرمایه‌گذار نمایند که دارای ریسک کمتری می‌باشند.

۳) به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود باتوجه به اهمیت فراوان عملکرد ، شرکت‌ها را ملزم به اقدام به درج عملکرد شرکت‌ها در پایگاه اینترنتی خود نماید. و یا تدابیری اندیشیده که دسترسی به این متغیر برای عموم به راحتی انجام پذیرد.

منابع فارسی

احدیان. ف. ۱۳۷۹. بررسی رابطه بین سود مشمول مالیات ارائه شده توسط شرکت ها و سود قطعی شده توسط ممیزین مالیاتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

اسعدی ع. تهرانی. ر. خستو. س. ۱۳۹۲. تأثیر ساختار هیات مدیره بر سیاستهای جسورانه مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد.

باستانی ، بهنوش ؛ ۱۳۹۶؛ بررسی رابطه بین فرهنگ اخلاق سازمانی و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران ، ، پایان نامه کارشناسی ارشد واحد بوشهر.

باباجانی. ج. عبدی، م. ۱۳۸۲. رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها. مجله پژوهش های حسابداری مالیِ. ۲(۳): ۸۶-۶۸.

پور زمانی. ز. شمسی. ا. ۱۳۸۸. بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتهای بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی. فصلنامه تخصصی مالیات. ۵:۹-۲۶.

خواجوی. ش. کیامهر. م. ۱۳۹۴. بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات. ۲۳(۲۶): ۷۶-۶۲.

زهی، ن. محمد خانی. ش. ۱۳۸۹. بررسی عوامل موثر بر تهاجم مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). پژوهش نامه مالیات. ۹:۶۰-۲۵

سعیدی. پ. کلامی. ع. ۱۳۸۸. تاثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکتها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی. مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحدسنندج. ۷:۹۳-۱۱۲.

طالب نیا. ق.ا. وکیلی فرد. ح. عرب مازار. ع. ا. صمدی لرگانی. م. ۱۳۸۲. بررسی تاثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی. حسابداری مالی. ۱۱(۱):۸۳-۶۷.

عبدلی. م. ر. بخشی. ح. حسینی. س. ا. ۱۳۹۲. بررسی رابطه گزارشگری متهوارنه مالی و اندازه شرکت ها با سیاست های متهورانه مالیاتی. پژوهشنامه مالیات. ۱۹(۶۷): ۱۶۸-۱۵۷.

عبدلی. م. ر. شورورزی. م. ر. میرزایی. س. ۱۳۸۲. بررسی ارتباط سیاستهای مالیاتی متهورانه و شفافیت شرکتی. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. علوم و تحقیقات نیشابور.

احدیان . ف. ۱۳۷۹.بررسی رابطه بین سودمشمول مالیات ارائه شده توسط شرکتها و سودقطعی شده توسط ممیزین مالیاتی. پایان نامه کارشناسی ارشد.دانشگاه تهران.

فلاحی.ف.۱۳۹۴.فرار مالیاتی و راههای مقابله باآن در حسابداری مالیاتی .مجله هماورد مهارتی دانشگاه جامع علمی و کاربردی مرکز فرهنگ و هنر واحد۱۳ تهران.

منابع لاتین

Armstrong, C., Blouin, J. Larcker, D. 2010. The Incentives for Tax Planning. Working Paper, SSRN: http://ssrn.com/abstract=1416422

Chen, S., Chen. X. Cheng.Q., Shevlin. T..2010. Are Family Firms more Tax Aggressive than Non-family Firms? Journal of Financial Economics. 95: 41-61

Desai, M.A Dharmapala. D. 2006. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. Journal of Financial Economics, 79, 145–179.

Desai, M.A. Dharmapala. D. 2006. Corporate Tax Avoidance and High-powered Incentives. Journal of Financial Economics .79: 145-179.

Dyreng, S.D. Hanlon, M. Maydew, E.L. 2008. Long-run corporate tax avoidance. The Accounting Review, 83 (1):61–82.

Freise, A., Link, S. Mayer, S. 2008. Taxation and corporate governance – the state of the art. In: Schön, W. (Ed.). Tax and Corporate Governance. Springer-Verlag. Berlin, Heidelberg, pp. 357–425.

Garbarino. C. 2008. Strategies and Tax Corporate Tax Governance : An Institutional Approach . Working. Paper. SSRN: http://ssrn.com/abstract=1428772.

Guenther. D. A.. Matsunaga. S. R.. Williams. B. M. 2013. Tax avoidance. tax aggressiveness. tax risk and firm risk.

Hanlon. M.. Slemrod. J. 2009. What does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Aggressiveness. Journal of Public Economics 93: 126-141.

Lanis. R. Richardson. G. 2011. The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness. Journal of Accounting and Public Policy 30 (1): 50-70.